

سقوط آسانسور جان دختر سه ساله را گرفت

دختر بچه سه‌ساله اهل روانسر استان کرمانشاه بر اثر سقوط آسانسور ساختمان مسکونی‌شان جان باخت.

به گزارش «پرنانه»، این دختر بچه که او‌ا نام داشت، داخل آسانسور بود که ناگهان آسانسور سقوط و پا و سر او لای در گیر و فوت می‌کند. به گفته ساکنان این مجتمع مسکونی، این حادثه سومین سقوط آسانسور این مجتمع بوده که دو مورد قبلی آن تلفات جانی نداشته‌است.

۶هزار قطعه مرغ در آتش سوختند

آتش‌سوزی در یک مرغداری در روستای سوخته کوه آستانه اشرفیه استان گیلان ۶ هزار قطعه مرغ را تلف کرد. مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان آستانه‌اشرفیه گفت:این آتش‌سوزی به علت آتش گرفتن هیتر گازی و عمل نکردن کیسول حریق در مرغداری زرین کاکل بابک این شهرستان رخ داد.

گودرز کمال‌پور با اشاره به اینکه به علت شدت آتش‌سوزی تمامی مرغ‌های این واحد مرغداری در آتش سوخته‌اند،فرودارزش مرغ‌های تلف‌شده‌در این حادثه بیش از ۷۰ میلیون تومان بود که علاوه بر آن این آتش‌سوزی حدود ۱۳۰ میلیون تومان هم به تأسیسات و ساختمان مرغداری خسارت وارد کرد.

خارج از مدار

نوزادی که دو بار به دنیا آمد!

پزشکان امریکایی موفق شدند نوزاد بیماری را برای درمان از شکم مادرش خارج کنند و پس از عمل جراحی دوباره به شکم مادرش بازگردانند تا در زمان مقرر به‌دنیا بیاید.
به گفته پزشکان این نوزاد که الان برای دومین بار به دنیا آمده است، سالم است.

براساس این گزارش، مارگارت بومر مادر این نوزاد (لینلی) در هفته شانزدهم بارداری خود، از طریق پزشکان متوجه شد که دخترش یک تومور بزرگ در بخش ستون فقرات دارد، به همین علت پزشکان مجبور شدند برای نجات جان لینلی به طور موقت و به مدت ۲۰ دقیقه او را از شکم مادرش خارج کنند و وی را تحت عمل جراحی قرار دهند. پزشکان پس از جدا کردن تومور خطرناک، لینلی را به شکم مادرش بازگردانند تا در زمان مقرر بار دیگر به دنیا بیاید. به گفته پزشکان لینلی الان که برای دومین بار به‌دنیا آمده است در کنار مادرش در سلامت کامل به‌سر می‌برد.

تیراندازی مرگبار در ۲ مدرسه در امریکا

در دو تیراندازی جداگانه در دو مدرسه در امریکا یک نوجوان کشته و سه نفر دیگر به شدت زخمی شدند. اولین حادثه در دبیرستان در ایالت اوتا رخ داد که پس از ۱۶ ساله‌ای از سوی سراسر ۱۴ ساله‌ای هدف شلیک دو گلوله قرار می‌گیرد که در جریان آن به شدت زخمی و به بیمارستان منتقل می‌شود.

در حادثه مشابه دیگری در شهر «لس آنجلس» ایالت «کالیفرنیا» یک نوجوان در بیرون دبیرستانی بر اثر تیراندازی کشته شد و دو نفر دیگر به شدت زخمی شدند.

قتل ۸بیمار سالمند

به دست پرستاری در کانادا

پرستار کانادایی هشت بیمار سالمند را در دو مرکز نگهداری با تزریق دارو به‌قتل رسانده‌است. به گزارش «ایسنا»، این پرستار ۴۹ ساله که «لیزابت تریسی می‌تولفر» نام دارد، متهم است در شهر «وودستاک» انتاریو کانادا هشت بیمار سالمند ۷۵ تا ۹۶ ساله را در دو مرکز نگهداری با تزریق دارو به قتل رسانده است. رئیس پلیس وودستاک، قربانیان را پنج زن و سه مرد اعلام کرد و گفت: هفت نفر با تزریق دارو کشته شدند، اما انگیزه قاتل را اعلام نکرد. متهم که دو سال و نیم قبل از این دو مرکز نگهداری بیماران سالمند بیرون آمده است، صبح روز سه‌شنبه در دادگاه محاکمه شد.

نجات مرد برزیلی

پس از ۲۰ سال حبس خانگی

مأموران پلیس برزیل به صورت اتفاقی مردی را که از ۲۰ سال قبل در خانه‌اش حبس شده بود، نجات دادند. به گزارش «ایسنا»، پلیس ساوپائولو برزیل در جریان یک عملیات مبارزه با مواد مخدر در یک منطقه فقیرنشین شهر برزیل مردی را نجات داد که به گفته همسایه‌هایش از ۲۰ سال قبل خانواده‌اش او را در خانه حبس کرده بودند. به گفته پلیس، «آرماندو آندراده» ۳۶ ساله که دچار سوء تغذیه و مشکلات روانی بود، در حالی پیدا شد که در اتاقی با شرایط نامناسب به تختی بسته شده بود. در تحقیقات مأموران پلیس مشخص شد پدر و نامادری‌اش او را ۲۰ سال پیش و زمانی که ۱۶ ساله بود به خاطر نداشتن اکلن به تخت بستند و از آن زمان تاکنون «آرمانده» در حبس بوده‌است. تحقیقات پلیس در این باره ادامه دارد.

پسر جوانی که متهم است یکی از دوستانش را به خاطر سرقت خودرواش با همدستی یکی

از دوستانش به قتل رسانده است، در جلسه بازجویی قتل را به گردن همدستش انداخت.

به گزارش خبرنگار ما، این پرونده روز گذشته در شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی عبداللهی رسیدگی شد. پس از اعلام رسمیت جلسه دادگاه، نماینده دادستان تهران در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از کیفرخواست گفت: متهمان پرونده فردوس ۲۲ ساله و سپهر ۲۲ ساله نام دارند. دو متهم مردامه‌هاه سال ۹۲ به اتهام قتل دوست ۳۲ ساله‌شان آرش بازداشت شدند و به جرمشان اقرار کردند.

متهمان اقرار کردند روز حادثه برای شرکت در جشنی راهی فیروز کوه بودند که پس از شرب خمر و مصرف موادمخدر به قصد سرقت خودروی آرش، وی را با شلیک گلوله و ضربات چاقو به قتل رساندند و پس از حادثه خودروی ۲۰۶ مقتول را در جاده ساوه اوراق کردند و وسایل آن را فروختند. متهمان در ادامه با گوشی مقتول به صورت پیامکی از برادر مقتول رمز کارت آرش را سؤال می‌کنند، اما موفق به خالی کردن حساب او نمی‌شوند. نماینده دادستان ادامه داد: پس از این حادثه برادر مقتول، در اداره پلیس اعلام مفقودی می‌کند که پس از کشف جسد و شناسایی مقتول، مأموران با تحقیقات تخصصی به فردوس و سپهر مظنون می‌شوند و آنها را دستگیر می‌کنند. وی در ادامه گفت: متهمان چند ماه قبل از حادثه قتل به جرم سرقت ۱۰ هزار دلار در تعقیب پلیس بودند که به جرم قتل دستگیر می‌شوند و علاوه بر اعتراف به قتل به سرقت هم اقرار می‌کنند.

در پایان نماینده دادستان برای فردوس به جرم مشارکت در قتل، سرقت ۱۰ هزار دلار و شرب خمر و برای سپهر به جرم معاونت در قتل، سرقت ۱۰ هزار دلار و شرب خمر در خواست اشد مجازات کرد.

پس از آن اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و برای متهمان درخواست قصاص کردند. در ادامه فردوس متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و راه برگردن دوستش سپهر انداخت. فردوس توضیح داد: من و آرش پنج سال با هم دوست بودیم اما یکسالی می‌شداز هم خبری نداشتیم تا اینکه در فیس بوک دوباره یکدیگر را پیدا کردیم و ارتباط دوستانه ما دوباره برقرار شد. روز حادثه آرش با من تماس گرفت و گفت قرار است برای مراسم جشنی به فیروز کوه بروم و به خاطر اینکه تنها بودم خواست من هم همراهش بروم. پس از این من با دوستم

دوستم قاتل است!



سپهر تماس گرفتیم و موضوع جشن را به او گفتم و او قولشتم هر ماه ما به فیروز کوه بیاید که او هم قبول کرد. ما دو نفری به دنبال آرش رفتیم و هر سه با خودروی ۲۰۶ آرش راهی فیروز کوه شدیم. در میانه راه خودرو را نگه داشتیم و سه نفری مشروب خوردیم و بعد هم مواد مخدر مصرف کردیم و دوباره به راه افتادیم که آرش شروع به بدگویی از دختر مورد علاقه من کرد. او به دختر مورد علاقه‌ام تهدید زد که خیلی عصبانی شدم و به او اعتراض کردم، اما آرش به اعتراض من توجهی نکرد و به بدگویی‌هایش ادامه داد. به همین دلیل با هم در گیر شدیم که آرش در نزدیکی شهرک آیسرد دماوند خودرواش را نگه‌داشت و از خودرو بیرون آمد. در حالی که به شدت عصبانی بودم سپهر اسلحه‌ای که از قبل داشتم از کیفم بیرون آورد و به داد و آندزد مرا تحریک کرد که سه تیر به سوی آرش

بازگشتم و موضوع جشن را به او گفتم و او قولشتم هر ماه ما به فیروز کوه بیاید که او هم قبول کرد. ما دو نفری به دنبال آرش رفتیم و هر سه با خودروی ۲۰۶ آرش راهی فیروز کوه شدیم. در میانه راه خودرو را نگه داشتیم و سه نفری مشروب خوردیم و بعد هم مواد مخدر مصرف کردیم و دوباره به راه افتادیم که آرش شروع به بدگویی از دختر مورد علاقه من کرد. او به دختر مورد علاقه‌ام تهدید زد که خیلی عصبانی شدم و به او اعتراض کردم، اما آرش به اعتراض من توجهی نکرد و به بدگویی‌هایش ادامه داد. به همین دلیل با هم در گیر شدیم که آرش در نزدیکی شهرک آیسرد دماوند خودرواش را نگه‌داشت و از خودرو بیرون آمد. در حالی که به شدت عصبانی بودم سپهر اسلحه‌ای که از قبل داشتم از کیفم بیرون آورد و به داد و آندزد مرا تحریک کرد که سه تیر به سوی آرش

بازگشتم و موضوع جشن را به او گفتم و او قولشتم هر ماه ما به فیروز کوه بیاید که او هم قبول کرد. ما دو نفری به دنبال آرش رفتیم و هر سه با خودروی ۲۰۶ آرش راهی فیروز کوه شدیم. در میانه راه خودرو را نگه داشتیم و سه نفری مشروب خوردیم و بعد هم مواد مخدر مصرف کردیم و دوباره به راه افتادیم که آرش شروع به بدگویی از دختر مورد علاقه من کرد. او به دختر مورد علاقه‌ام تهدید زد که خیلی عصبانی شدم و به او اعتراض کردم، اما آرش به اعتراض من توجهی نکرد و به بدگویی‌هایش ادامه داد. به همین دلیل با هم در گیر شدیم که آرش در نزدیکی شهرک آیسرد دماوند خودرواش را نگه‌داشت و از خودرو بیرون آمد. در حالی که به شدت عصبانی بودم سپهر اسلحه‌ای که از قبل داشتم از کیفم بیرون آورد و به داد و آندزد مرا تحریک کرد که سه تیر به سوی آرش

قاتل با پرداخت ۶۰۰میلیون تومان

از طناب دار فاصله گرفت

مرد جوانی که هشت سال قبل خواستگار سمج

خودش را به قتل رسانده بود، با پرداخت ۶۰۰ میلیون تومان از اولیای دم رضایت گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، عصر چهارم تیرماه ۸۷ بود که مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو از درگیری خونین چند مرد جوان در خیابان فتاحی منش حوالی خیابان نظام آباد با خبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه دریافتند لفظاتی قبل چهار مرد قمه به دست به در خانه پسر جوانی به نام بابک در کوچه گرجانی، پست و سه زخمی کردن وی با خودروی پژویی از محل گریخته‌اند. همچنین مشخص شد پسر زخمی برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است. مأموران در ادامه برای تحقیقات راهی بیمارستان شدند که متوجه شدند بابک بر اثر خونریزی شدید جان باخته است. با فوت پسر جوان پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور باز پرس شمشه اول دادسرای امورجنایی پایتخت برای شناسایی متهمان وارد عمل شدند.

کارآگاهان در نخستین گام دست به تحقیقات میدانی زدند که مشخص شد یکی از شاهدان عینی حادثه شماره پلاک خودروی عاملان قتل را یادداشت کرده است. شاهد حادثه

قاتل مدعی است مقتول به دختر مورد علاقه‌اش توهین کرده است



شلیک کردیم. پس از این سپهر چاقویی از کیفم بیرون آورد و به طرف آرش حمله کرد که با دستم چاقویش را گرفت تا منعش بشوم، اما انگشت دستم به شدت برید و چاقو از دست افتاد. در ادامه هر دو تلاش می‌کردیم چاقو را بریزدیم که سپهر چاقو را از روی زمین برداشت و یک ضربه به پشت گردن آرش زد. حال‌م اصلا خوب نبود که دیدم آرش با دستش گردنش را گرفته است خون از گردنش جاری بود که فوت کرد. خیلی دوست داشتم کمکش کنم، اما کاری از دستم بر نمی‌آمد.

در ادامه متهم به سوالات قاضی عبداللهی جواب داد.

شما در بازجویی قاتل را پذیرفته بودی چرا الان قتل را به گردن سپهر می‌اندازی؟

من به خاطر فشار و اصرار مأموران مجبور شدم قتل را قبول کنم، از طرفی فکر می‌کردم در حق سپهر نافردي است که همه

چیز را گردن او بیندازم.

روز بازجویی گفته بودی انگیزه‌ات از قتل به خاطر سرقت ماشین مقتول بوده است، اما امروز می‌گویی مقتول به دختر مورد علاقه‌ات تهمت زده است و به همین دلیل در گیر شدی.

روز بازجویی به خاطر مجروحیت دست راستم مجبور بودم از نسوی دیگر مأموران مرا مجبور کردند که موضوع سرقت

را بگویم و گر نه من وضع مالی‌ام خوب بود، نیازی به سرقت

نداشتم. همچنین می‌ترسیدم با اعتراف من مأموران پلیس دختر مورد علاقه‌ام را دستگیر کنند به همین دلیل موضوع را

چور دیگری تعریف کردم.

اسلحه‌ها را کجا تهیه کرده بودی؟

از مرد ناشناسی که یکی از دوستانم به من معرفی کرد، خریدم.

چاقو را چطور؟

دوستم به من هدیه داده بود.

آیا ناسزا و بدگویی را باید با قتل پاسخ داد؟

نه، اگر مشروب نخورده بودم و مواد نکشیده بودم در مقابل حرف‌های آرش رفتار منطقی‌تری نشان می‌دادم.

سپس متهم ردیف دوم در جایگاه ایستاد و گفت: من قاتل نیستم و فردوس، آرش را به قتل رساند. وی ادامه داد: من آرش را نمی‌شناختم و فردوس از من خواست تا همراه دوستش به مهمانی در فیروز کوه برویم. با ماشین خودم دنبال فردوس رفتم و با هم دنبال آرش رفتیم. ماشینم را داخل خیابانی پارک کردم، سپس با خودروی آرش راهی فیروز کوه شدیم. پس از خوردن مشروب در صندلی عقب سیگار می‌کشیدم که متوجه مشاجره آرش و فردوس شدم.

فردوس، آرش را مجبور کرد تا ماشین را سر شهرک آیسرد دماوند متوقف کند. به خاطر اینکه مواد و مشروب همراه‌ام بود از آنها خواستم جایی با هم صحبت کنند که مأمور‌ها به ما

مشکوک نشوند، اما فردوس قبول نکرد و آرش هم خودرو را متوقف کرد. در حالی که درگیری آنها بالا گرفته بود، فردوس از داخل کیفش اسلحه را بیرون آورد و چند تیر به سمت آرش زد. با دیدن این صحنه به شدت ترسیده شده بودم، اما آرش هنوز زنده بود. فردوس مرا تهدید کرد که داخل ماشین بروم و دخالت نکنم. وسایل کیف روی صندلی عقب پخش شده بود، چشمم به چاقو افتاد و خواستم پنهانش کنم. که فردوس آن را از دستم کشید و آرش را با تهدید چاقو به ویلایی برد که

در آیسرد داشتند. متهم ادامه داد: لفظاتی بعد در تاریکی شب با نور تلفن همراه به سمت ویلا رفتم که دیدم آرش خونین روی زمین افتاده است. هرچه التماس کردم او را به بیمارستان برسانیم، اما فردوس قبول نکرد و گفت کارش تمام شده است. او از من خواست تا برای مداوای دستش به بیمارستان برسانمش و من هم از ترس قبول کردم. او را سوار ماشین کردم و به کلینیکی در جنت‌آباد رساندم.

متهم در مورد ماشینی مقتول گفت: بعد از مداوای دست فردوس می‌خواستیم رد پای او ما بر جای نماند. به همین دلیل خودروی مقتول را به جاده ساوه بردیم و اوراق کردیم. پس از دفاعیات خود متهم به دلیل حضور نداشتن شاکي جور دیگری تعریف کرد.

رسیدگی به پرونده متهمان به جلسه بعد موکل شد.



کشور تأیید و پرونده برای سیر مراحل قانونی اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. در حالی که متهم استیذان حکمش را گرفته بود و در یک قدمی جوبه دار قرار داشت، هیئت صلح و سازش دادسرای امور جنایی با تشکیل جلسات متعدد تلاش زیادی برای جلب رضایت انجام داد تا اینکه در نهایت صبح روز گذشته اولیای مد‌به شعبه اجرای احکام رفتند و با گرفتن ۶۰۰ میلیون تومان متهم را تأیید کردند.

بدین ترتیب متهم از جنبه عمومی جرم به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

خودرو شدیم و او محل گریختیم. وی در پایان گفت: ما قصد کشتن او را نداشتیم و وقتی متوجه شدیم او فوت کرده‌است، خودمان را به پلیس معرفی کردیم و الان هم پشیمان هستیم و در خواست بخشش داریم. سه متهم دیگر در بازجویی حرف‌های ایرج را تأیید کردند.

قاتل پس از تحقیقات تکمیلی و صدور کیفرخواست در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. اولیای دم برای متهم در خواست قصاص دادند و هیئت قضایی به پس از شنیدن دفاعیات متهم، وی را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کرد. پس از این رأی دادگاه در شعبه ۱۷ دیوان عالی



بازسازی صحنه قتل خواستگار به دست برادر دختر

شکست و روی دیواره محل محرف‌های توهین آمیز می‌نوشت تا جایی که به دادسرا رفتیم و از او شکایت کردیم. پس از شکایت کردم مزاحمت‌هایش تمام می‌شود، اما او دوباره مزاحمت‌هایش را ادامه داد تا اینکه سه روز حادثه با او تماس گرفتیم و خواستیم با هم صحبت کنیم. سپس من همراه برادر و دامادمان و برادر دامادمان با خودروی همسرم به در خانه مقتول رفتیم. ابتدا برادرم و دامادمان از خودرو پیاده شدند که مقتول از خانه‌شان بیرون آمد و با قمه به برادر و دامادمان حمله کرد. پس از این من و برادر دامادمان به کمک آنها رفتیم و با قمه‌ای که داشتم، یک ضربه به او زدیم و بعد هم سوار

آگهی دادگستری	خواهان بانک مهر اقتصاد بوشهر (مدیر غلامحسن تقی نتاج و نماینده مهدی قاسمی) دادخواستی به طرفیت خواننده فرزند محمد تاج و رضا محمد نجاد موسوی (مجهول المکان) به خواسته مطالبه وجه چک و مطالبه خسارات دادرسی و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه تقدیم دادگاههای عمومی شهرستان گناوه نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گناوه واقع در استان بوشهر، شششنبه گناوه اوراجع و به کلاسبه ۰۴۳۵/۹۹۷۷۷۰۴۲۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۸۵/۱۱/۲۰ ساعت ۹:۳۰ تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خواننده (سید محمد جواد موسوی) و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کنترالانتشار آگهی می‌شود تا خواننده پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضامنه را در یافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. / مالف: ۷۵۰ دادگاه حقوقی شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان گناوه - سعید نسب
----------------------	--

آگهی دادگستری	برونده کلاسبه ۰۴۹۹۵۰۰۶۰۰۹۹۵۵۰۹۵ شورای حل اختلاف شماره ۶ مجتمع مرکزی شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۰۶۰۰۵۹۰۹۹۷۵۵۰۹۵ «خواهان: آقای علیرضا نارویی فرزند میرزا به نشانی سیستان و بلوچستان، زاهدان، بلوار دانشجو، دانشجو ۵۰ داخل میلان پلاک ۱۰ «خوانندگان: ۱. آقای عباس کریم پور آذر فرزند رضا ۲. آقای سمعود زرین کلاه فرزند ابراهیم همگی به نامی مجهول المکان «خواسته: الزام به تنظیم سند خودرو «رای شورا: در خصوص دعوی آقای علیرضا نارویی فرزند میرزا به طرفیت خوانندگان ۱. آقای سمعود زرین کلاه فرزند ابراهیم ۲. آقای عباس کریم پور آذر فرزند رضا به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه سوری پژو 405Sx1800cc مدل ۱۳۸۹ رنگ قرمهای متالیک مقوم به نوزده میلیون و پانزده هزار تومان اولاً در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف اول آقای سمعود زرین کلاه فرزند ابراهیم نظر به اینکه حسب محتویات پرونده و مستندات ابرازی و نامه شماره ۱۳۱۳/۳۸۲۴۳۸/۱۶/۳۸۱۰۸۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۶/۶ رئیس پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان خواننده فاقد مالکیت رسمی بر اتومبیل مورد ادعا می‌باشد و اجبار غیر مالک رسمی به تنظیم سند رسمی فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. لذا شورا مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را صادر می‌نماید لذا در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف دوم آقای عباس کریم پور آذر فرزند رضا که پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان مالک رسمی اتومبیل را شخصی خواننده معرفی نموده است با توجه به مفاد دادخواست و ملاحظه فتوایی صدق استنادی خواهان نظر به اینکه خواننده مجهول المکان بوده و با دعوت از طریق ردیف اول ابراهیم نظر به اینکه حسب محتویات پرونده و مستندات ابرازی و نامه شماره ۱۳۱۳/۳۸۲۴۳۸/۱۶/۳۸۱۰۸۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۶/۶ رئیس پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان خواننده فاقد مالکیت رسمی بر اتومبیل مورد ادعا می‌باشد و اجبار غیر مالک رسمی به تنظیم سند رسمی فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. لذا شورا مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را صادر می‌نماید لذا در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف دوم آقای عباس کریم پور آذر فرزند رضا که پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان مالک رسمی اتومبیل را شخصی خواننده معرفی نموده است با توجه به مفاد دادخواست و ملاحظه فتوایی صدق استنادی خواهان نظر به اینکه خواننده مجهول المکان بوده و با دعوت از طریق ردیف اول ابراهیم نظر به اینکه حسب محتویات پرونده و مستندات ابرازی و نامه شماره ۱۳۱۳/۳۸۲۴۳۸/۱۶/۳۸۱۰۸۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۶/۶ رئیس پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان خواننده فاقد مالکیت رسمی بر اتومبیل مورد ادعا می‌باشد و اجبار غیر مالک رسمی به تنظیم سند رسمی فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. لذا شورا مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را صادر می‌نماید لذا در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خواننده ردیف دوم آقای عباس کریم پور آذر فرزند رضا که پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان مالک رسمی اتومبیل را شخصی خواننده معرفی نموده است با توجه به مفاد دادخواست و ملاحظه فتوایی صدق استنادی خواهان نظر به اینکه خواننده مجهول المکان بوده و با دعوت از طریق ردیف اول ابراهیم نظر به اینکه حسب محتویات پرونده و مستندات ابرازی و نامه شماره ۱۳۱۳/۳۸۲۴۳۸/۱۶/۳۸۱۰۸۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۶/۶ رئیس پلیس راهور استان سیستان و بلوچستان خواننده فاقد مالکیت رسمی بر اتومبیل مورد ادعا می‌باشد و اجبار غیر مالک رسمی به تنظیم سند رسمی فاقد وجاهت قانونی می‌باشد. لذا شورا مستنداً به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را صادر می‌نماید. رای صادره غیایی و ظرف مدت بیست و یک روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و سپس ظرف همین مدت قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی زاهدان است.
----------------------	---

مالف: ۲۱۷۰	فرزانه رامردوی - قاضی شورای حل اختلاف شماره ۶ زاهدان
-------------------	---

یدالله خلیفانی - رئیس شعبه اول بدوی تخصصی ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز تعزیرات حکومتی شهرستان بروجن